

در باره شرایط کنونی و وظایف نیروهای انقلابی

ضمن درود به شما کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی، در پاسخ به وظیفه ای که برای در میان گذاشتن دانسته ها و تجربیاتم با شما به عهده خود می بینم بخش دیگر از سخنانم را در اینجا مطرح می کنم. این بخش مربوط به ضرورت ایجاد تشکل های سیاسی- نظامی است. این ضرورتی است که پاسخگوئی به آن به عنوان یک وظیفه انقلابی بر عهده کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی قرار دارد.

برای این که موضوع را ریشه ای بررسی کنیم اجازه دهید سختم را با رجوع به ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران شروع کنم. بر کسی پوشیده نیست که سیستم اقتصادی- اجتماعی حاکم بر ایران سیستم سرمایه داری است (سرمایه داری از نوع وابسته که جهت حرکت آن را سیستم جهانی امپریالیستی تعیین می کند). این سیستم که در اوایل دهه ۴۰ بر جامعه ایران مسلط شد، امروز رشد و وسعت زیادی یافته و از دهات دور دست گرفته تا شهرهای کوچک و بزرگ در همه جا گسترش پیدا کرده است. در همان حال، پا به پای این سیستم، طبقه کارگر نیز به طور چشمگیر رشد کرده است تا آنجا که امروز کارگران همراه با اقشار فرودست، اکثریت مطلق جامعه را تشکیل می دهند. اما جدا از کمیت که در جای خود از اهمیت برخوردار است، طبقه کارگر دارای آنچنان نقشی در تولید اجتماعی می باشد که آن را از طبقات دیگر متمایز می کند. در سیستم سرمایه داری از یک طرف هستی سرمایه داران در گرو استثمار کارگران است و از طرف دیگر رهائی کارگران از قید استثمار و دست یابی به یک زندگی انسانی به پایان دادن به آن هستی وابسته است. بنابراین طبقه کارگر که خود مولود سیستم سرمایه داری است، از چنان موقعیت و شرایط مادی ای برخوردار است که آن را به دشمن اصلی سرمایه داران و سیستم سرمایه داری شان تبدیل کرده است. این واقعیت، رسالت نابودی سیستم سرمایه داری را بر عهده طبقه کارگر قرار داده و بر پیشانی این طبقه مَهر انقلابی ترین طبقه را حک نموده است، طبقه ای که تا به آخر یعنی تا محو کامل شرایط استثمار، در میدان مبارزه باقی خواهد ماند.

از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی همگان شاهد بوده اند که مبارزات کارگران علیرغم غیر متشکل بودن آنها، تأثیر به سزائی در جامعه به جا می گذارد. کارگران ما که تحت استثمار وحشیانه قرار دارند در طول عمر این رژیم با وجود دیکتاتوری عنان گسیخته حاکم و شرایط شدیداً مختنق، همواره در صحنه مبارزه علیه سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی بوده اند و با مبارزات خود به جریان سیال مبارزه سیاسی در جامعه کمک شایانی کرده اند. همچنین، هر جا کارگران امکان برپائی تظاهرات و تجمعات وسیع کارگری را پیدا کرده اند- به همانگونه که در سال ۹۶ و ۹۷ به خصوص در رابطه با مبارزات پر شور کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و کارگران اراک شاهد بودیم- کل جامعه را تحت تأثیر مبارزات خود قرار داده اند.

از ورای مبارزات کارگران ایران و به خصوص از سخنرانی های صورت گرفته توسط آنان می توان دریافت که کارگران ما سرمایه داران و رژیم حاکم (مدافع سرمایه داران) را به عنوان دشمنان اصلی خود کاملاً می شناسند و به قدرت و موقعیت طبقاتی خودشان نیز تا حدی آگاهند. در همان حال آنان کاملاً به

این حقیقت دست یافته اند که حکومت سرمایه داران را جز با توسل به مبارزه مسلحانه نمی توان از بین برد. در ضمن کارگران ایران چندین سال برای ایجاد تشکل صنفی خودشان دست به مبارزه زدند و در این راه متحمل زندان و شکنجه شدند. این امر در حالی که بیانگر آگاهی کارگران ما به ضرورت تشکل یابی است، تجربه گرانبهائی را نیز در اختیار آنها گذاشت و نشان داد که تا زمانی که دیکتاتوری بر جامعه حاکم است امکان حتی ایجاد تشکل های صنفی مستقل هم برای کارگران وجود ندارد. واقعیت این است که دیکتاتوری لازمه وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران است و این دو در هم تنیده اند. بنابراین تا زمانی که این سیستم بر جامعه حاکم است، دیکتاتوری نیز وجود خواهد داشت و کارگران همچنان از آزادی تشکل و امکان متشکل کردن خود محروم خواهند بود.

به نظر می رسد در اینجا پارادوکسی مطرح است. از یک طرف رسالت نابودی سیستم سرمایه داری به عهده طبقه کارگر قرار دارد و در جامعه ما نیز تنها این طبقه قادر است انقلاب توده های تحت ستم ایران را رهبری نماید (تا جایی که بدون رهبری طبقه کارگر انقلاب برای دگرگونی شرایط اقتصادی- اجتماعی موجود به ثمر نمی رسد) و از طرف دیگر کارگران نه دارای تشکیلاتی هستند و نه با حد آگاهی طبقاتی ای که در جریان مبارزات اقتصادی خود به دست آورده و می آورند، می توانند به وظیفه ای که تاریخ بر عهده آنان گذاشته است عمل کنند. این یک نکته گرهی است؛ و درست با توجه به چنین واقعیتی است که نقش کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی جهت یاری به کارگران اهمیت ویژه ای می یابد.

کارگران نیازمند برخورداری از آگاهی سوسیالیستی هستند، یعنی آگاهی ای که به آنها قدرت مبارزه برای نفی استثمار و نابودی سیستم سرمایه داری را می دهد. کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی با مجهز کردن خود به مارکسیسم- لنینیسم از طریق مطالعه آثار مارکس، انگلس، لنین و دیگر اندیشمندان طبقه کارگر می توانند به درس ها و تجارب گرانبهائی از جنبش کارگری و کمونیستی جهان دست یابند. باید از آن آموزش ها برای بردن آگاهی سوسیالیستی به میان کارگران و البته با توجه به شرایط مشخص جامعه ایران به بهترین وجه استفاده نمود.

نیاز دیگر کارگران شدیداً تحت استثمار و ستم ایران متشکل شدن نه فقط در ارگان های صنفی بلکه در عالی ترین تشکیلات سیاسی خود یعنی حزب طبقه کارگر است. وجود چنین تشکیلاتی به کارگران آگاه به ایده های سوسیالیستی، قدرت سازماندهی مبارزات عموم کارگران و بسیج و سازماندهی مبارزات دیگر توده های ستمدیده برای غلبه بر سرمایه داران (بورژوازی حاکم) می بخشد. اما در این زمینه چه کاری از دست شما برای خدمت به کارگران جهت تشکیل حزب سیاسی خود، بر می آید؟

بگذارید موضوع را به این شکل مطرح کنیم که اگر این دیکتاتوری حاکم بر جامعه ایران است که مانع از تشکل یابی کارگران و کسب آگاهی سوسیالیستی از طرف آنها گردیده پس باید راهی برای مقابله با این دیکتاتوری یافت. اما باید دانست که حکومت به این دلیل قادر به اعمال دیکتاتوری در جامعه است که بر یک قدرت نظامی یعنی ارتش و پلیس و غیره متکی است و بدون مقابله با این نیروی نظامی ضد خلقی، با دیکتاتوری نیز نمی توان به مقابله پرداخت. بنابراین در اینجا مسأله گرهی و اصلی، خود را آشکار می سازد و آن این است که برای مقابله با قدرت حاکم باید به مقابله با نیروهای سرکوب آن

پرداخت. می بینیم که رسالتی که طبقه کارگر برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران بر عهده دارد چگونه به این "مسأله گرهی و اصلی" پیوند خورده است. می بینیم که تحقق و جامه عمل پوشاندن به آن رسالت منوط به نابودی تکیه گاه اصلی سرمایه داران یعنی ابزار سرکوب آنهاست. اما مقابله و غلبه قطعی بر ارتش و ضمائمش را تنها یک نیروی مسلح قوی یا ارتشی می تواند انجام دهد که متعلق به کارگران و توده های تحت ستم باشد یعنی ارتش خلق. پس مبارزه هدفمند جهت تشکیل ارتش خلق به منظور مقابله با دیکتاتوری و شکست ارتش ضد خلق برای انقلابیونی که دست به مبارزه سیاسی- نظامی می زنند یکی از اهداف استراتژیک آنهاست.

اگر بخواهیم مطالب فوق را جمع بندی کنیم باید بگوئیم که کلید پایان دادن به شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه در دست طبقه کارگر قرار دارد. اما دیکتاتوری حاکم مانع دست یابی کارگران به آگاهی سوسیالیستی و متشکل شدن آنها در عالی ترین ارگان سیاسی شان می باشد؛ و این دیکتاتوری متکی بر یک نیروی نظامی است. پس نیروی پیشرو جامعه یعنی کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی برای این که بتوانند به وظایف خود در قبال کارگران جامعه عمل ببوشانند، برای مقابله با دیکتاتوری مجبورند مبارزه با نیروی نظامی پشتیبان و تکیه گاه دیکتاتوری را در دستور کار خود قرار دهند. ضرورت تشکیل گروه های سیاسی- نظامی و توسل به مبارزه مسلحانه، بر چنین واقعیت غیر قابل انکاری استوار است.

اما تا اینجا از جنبه استراتژیکی و اهداف نهائی مبارزه با شما به مثابه نیروی سیاسی پیشرو جامعه سخن گفتم. اکنون به این امر پردازیم که در شرایط کنونی چه وظایفی بر عهده کارگران آگاه و روشنفکران مبارز قرار دارد. همانطور که قبلاً هم تأکید کرده بودم خود روند جنبش انقلابی جاری درس ها و تجارب گرانبهائی به نیروهای پیشرو جامعه می آموزد. با این حال امید دارم که آنچه در اینجا به عنوان دانسته ها و تجربیاتم بیان می کنم در کار مبارزاتی به شما کمک کند.

این یک اصل است که نیروی انقلابی در مقابل دشمنی که دارای قدرت است کار خود را از ضعف شروع می کند. ولی نیروی پیشرو به تدریج با مبارزات انقلابی اش رشد کرده و با جلب توده ها به سوی خود هر چه بیشتر قدرت یافته و با شکاف انداختن در سد دیکتاتوری، توازن قوا بین خود (نیروی خلق) با دشمن را به هم می زند. در چنین شرایطی امکان شکل گیری تشکل های کارگری و امکان رابطه با کارگران برای پیشرو انقلابی به طور مؤثر به وجود آمده و امکان تشکیل حزب طبقه کارگر نیز فراهم می گردد؛ و مبارزه تا غلبه قطعی بر دشمن پیش می رود.

به نظر من در حال حاضر کارگران آگاه و روشنفکران مبارز باید به خصوص با استفاده از شرایط انقلابی کنونی با رعایت شدید مخفی کاری، با همفکران خود گروه های کوچک سیاسی- نظامی تشکیل دهند و از هر طریق ممکن خود را مسلح کنند. بعد، تحت یک برنامه حساب شده دست به اقداماتی بزنند که منجر به ایجاد یک چتر حمایتی از جنبش انقلابی جاری بشود. در این زمینه یکی از کارهای مؤثر مجازات نیروهای سرکوبگر است. لازم است عناصر سرکوبگر چه یونیفرم پوش و چه لباس شخصی، شناسائی شوند تا در فرصت مناسب بتوان آنها را به سزای اعمال خود رساند. این کار باعث ایجاد ترس و وحشت در میان نیروهای سرکوب شده و در خدمت وسعت یابی هر چه بیشتر

جنبش قرار خواهد گرفت. لازم است که گروه های سیاسی- نظامی در مورد عملیات مسلحانه خود اعلامیه صادر کنند و ضمن اعلام پشتیبانی از جنبش انقلابی هدف عملیات خود را توضیح دهند.

در شرایط کنونی دشمنان توده های تحت ستم ما (امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته ایران) شدیداً در تلاشند با محوری کردن شعار "زن، زندگی، آزادی" که توسط جریان پ.ک.ک تنظیم و از سالها پیش در میان مردم تحت ستم گرد اشاعه یافته است، انقلاب مردم ایران را انقلاب زنانه و آن هم برای خواست های ابتدائی آنان (و نه رفع کامل ستم بر زنان) جلوه دهند تا بتوانند این انقلاب را نیز همانند انقلاب سال ۵۷ به مسیر دلخواه خود منحرف سازند. گروه سیاسی- نظامی شما باید در اعلامیه های توضیحی خود در مورد این خطر به مردم هشدار دهد و نگذارد که دست های ناپاک بر هدف های واقعی این انقلاب سربوش نهد. هدف واقعی توده تحت ستم ایران از دست زدن به انقلاب، همانا ایجاد جامعه ای است که این توده از رفاه و آزادی های گسترده برخوردار شوند. چنین شرایطی تنها با قطع هر گونه نفوذ امپریالیستها در ایران فراهم می گردد. پس شعار "کار، نان، مسکن، آزادی و استقلال" را به هر وسیله ای- از دیوار نویسی گرفته تا شکل های دیگری که امکانات تان اجازه می دهد- به میان مردم ببرید و سعی کنید این شعار که منعکس کننده خواست همه ستمدیدگان ایران از کارگران گرفته تا معلمین و کشاورزان و زنان تحت ستم ایران می باشد با توجه به حقانیت خود به شعار محوری تبدیل شود. با توجه به ستم مضاعفی که زنان ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی متحمل شده و می شوند، گروه های سیاسی - نظامی انقلابی باید به طور قاطع به دفاع از همه مطالبات زنان از آزادی پوشش گرفته تا رفع همه نوع ستم علیه آنها پرداخته و از تأمین برابری زنان در تمام زمینه ها با مردان دفاع نمایند.

کارگران از آنجا که متشکل نیستند فعلاً نمی توانند با صف مستقل خود در جنبش حضور یابند. در حال حاضر، همه شواهد دال بر آن است که آنها به صورت فردی وسیعاً در این جنبش شرکت دارند. اتفاقاً - همانطور که در قیام های ۹۶ و ۹۸ هم شاهد بودیم - حضور کارگران و تھی‌دستان در جنبش انقلابی با خشمی که حاصل انعکاس شرایط بسیار ظالمانه زندگی شان می باشد، در عمل باعث رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر این جنبش گردیده. با این حال شعارهای ایجابی که به طور مشخص منافع و خواست کارگران و زحمتکشان را بیان نماید در این جنبش به گوش نمی رسد. شعارهای مطرح شده نظیر "نابود باد جمهوری اسلامی"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه، چه رهبر" و نظایر آنها، شعارهای رادیکال و به جایی هستند، اما آنها شعارهائی هستند که خصلت نفی کننده و سلبی را دارند. پس یکی دیگر از وظایف گروه های سیاسی - نظامی مورد نظر، بیان منافع و خواست کارگران و زحمتکشان می باشد. این خواست ها در حد مقدور باید به صورت شعارهای پر مضمون و پر محتوا فرمول بندی شوند. همچنین شما نیروهای پیشرو سعی کنید معنی آزادی که هر قشر و طبقه ای آن را بر اساس منافع خود تعبیر و تفسیر می کند را از موضع کمونیستی که خواهان وسیع‌ترین آزادی ها در جامعه می باشد توضیح دهید. آزادی تشکل و اجتماعات، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی داشتن یا نداشتن مذهب و غیره از آن جمله اند.

شما کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی با انجام چنین وظایف مبارزاتی می توانید تشکل نوپای خود را با انجام عملیات مسلحانه علیه دشمن و توضیح نظرات انقلابی تان به مردم بشناسانید و زمینه را برای برداشتن قدم های بعدی که همانا جذب توده ها و حرکت جهت تحقق خط استراتژیک بسیج و سازماندهی هم سیاسی و هم نظامی توده ها و تشکیل ارتش خلق می باشد، فراهم نمائید. درضمن باید به یاد داشت که مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه است و لازم است با محوریت این مبارزه از همه اشکال مبارزاتی برای رسیدن به هدف استفاده کرد. بدون شک با تشکیل گروه سیاسی- نظامی و با برداشتن اولین گام ها، خود واقعیت چشم انداز و ضرورت گام های بعدی را در عمل مقابل شما قرار خواهد داد. دست یازیدن به مبارزه مسلحانه انقلابی همانگونه که تجارب مشابه نشان می دهد باعث رشد و پیشروی همه اشکال دیگر مبارزه و جذب وسیعتر توده ها به جنبش انقلابی خواهد شد.

کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی

شما نه تنها قادر به ایفای نقشی بزرگ در جنبش انقلابی کنونی مردم تحت ستم ایران هستید بلکه با متشکل و مسلح کردن خود، در مبارزه طولانی ای که برای رهایی از قید سرمایه داران در پیش است دارای نقشی تعیین کننده می باشید. در هر انقلاب، رژیم می که باید جانشین رژیم قبلی گردد از اهمیت درجه اول برخوردار است. تعیین کننده بودن نقش شما در این است که ضمن ایفای نقش مؤثر در انقلاب کنونی با مبارزه جهت تحقق خط استراتژیک انقلاب پیروزمند ایران، می توانید راه را برای روی کار آمدن حکومتی که منافع اکثریت آحاد جامعه را تأمین کند هموار سازید. نابودی نظام سرمایه داری وابسته در ایران برای رسیدن به جامعه سوسیالیستی هدفی است که مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک تعقیب می کند.

به امید موفقیت برای شما در پیمودن این راه سترگ.

اشرف دهقانی

۱۰ اکتبر ۲۰۲۲ - ۱۸ مهر ۱۴۰۱